

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

نویسنده: احمد مزارعی

۰۲ دسمبر ۲۰۲۰

گزینه های ایران بعد از ترور محسن فخری زاده چیست؟

اهداف اسرائیل از این جنایت و در این شرایط ویژه چه می باشد؟

در شرایط و موقعیت فعلی، هر اقدام انتقامجویانه ای از طرف ایران علیه اسرائیل هدیه گرانبهایی به اسرائیل، دونالد ترامپ و عربستان سعودی می باشد و موجب خواهد شد تا ترامپ در قدرت بماند و اسرائیل نیز یک تازمیدانهای هرج و مرج در منطقه گردد.

اسرائیل این اقدام تروریستی خود را نه از موضع قدرت که از سر ضعف انجام داد، زیرا با اقدامات گذرای تاکتیکی و عملیات ترور فردی نمی توان ستراتیژی دراز مدت محور مقاومت در منطقه را تغییر داد، محور مقاومت به رهبری ایران یک ستراتیژی دراز مدت دارد که در سالهای گذشته آن را بدرستی پیش برده و دچار وقفه نشده است. این که اسرائیل در دستگاههای امنیتی ایران نفوذی گسترده ای پیدا کرده بسیار خطرناک و می تواند در مقاطعی ضربات سختی بر امنیت داخلی و منافع منطقه ئی ایران وارد کند که ترور اخیر نمونه ای از آن است، اما اینطور که از اقدام اخیر اسرائیل برمی آید آنها می توانستند حتی یک و یا دو سال پیش نیز به این ترور و یا مشابه آن دست بزنند، اما انتخاب لحظه فعلی درست با اهداف امروزی اسرائیل، عربستان و ترامپ، منطبق است که برهم زدن «توافقات» احتمالی ایران – امریکا یکی از این اهداف است.

ایران توانائی آن را دارد تا در شرایط مناسب ضربه سختی بر اسرائیل وارد کند، آنچنان که با راکتباران کردن پایگاه نظامی امریکائی «عین الاسد» قدرت خود را نشان داد که البته شرایط انتقام گیری در آنروز و امروز بسیار متفاوت است. اما ایران با داشتن مسؤولیتهای داخلی، منطقه ئی و بین المللی و روابط گسترده اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و بین المللی نباید دچار احساسات و تصمیم گیریهای زودگذر و لحظه ای گردد. انتقام گیری و یا ضربه زدن به اسرائیل باید در شرایطی باشد که منطقه را وارد یک جنگ همه گیر نکند، ولی در شرایط فعلی ترامپ، عربستان و اسرائیل آمادگی آن را دارند تا به یک جنگ گسترده دامن بزنند و عربستان نیز با «گشاده دستی» همه مخارج جنگ را به امریکا می پردازد زیرا چنین جنگی با اهداف فعلی آنها منطبق است.

نگاهی به اوضاع دیروز و امروز منطقه و موقعیت ایران:

چهار سال پیش تقریباً سراسر منطقه به ویژه عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین در بحرانی سخت به سر می برد که امریکا، ترکیه، عربستان به وسیله داعش فعال مایشاء بودند و این وضعیت تهدیدی بزرگ برای موقعیت سیاسی و جغرافیائی ایران نیز به حساب می آمد.

در عراق، غرب این کشور یعنی استان انبار در همسایگی عربستان و اردن و شهر بزرگ و تاریخی موصل و شهر فلوجه که تنها پنجاه کیلومتر با بغداد فاصله داشت، در اشغال داعش و به فرماندهی ارتش امریکا و ترکیه قرار داشت، سراسر کردستان از جمله شهر نفتی کرکوک نیز نا امن و در زیر سلطه پیشمرگه های بارزانی و حضور سنگین امریکا و اسرائیل قرار داشت.

اما امروز همه این برنامه ها به علت مقاومت ملل استقلال طلب منطقه یکی پس از دیگری باشکست روبه رو شده است، داعش در عراق تقریباً نابود شده است، بیش از هشتاد درصد سرزمینهای اشغالی سوریه آزاد گردیده است، در لبنان آرامش برقرار و یک معادله استوار و قدرتمندانه میان حزب الله و اسرائیل و به نفع محور مقاومت برقرار است، در یمن در چند هفته پیش بزرگترین اردوگاه ائتلاف امریکا - عربستان در نزدیکی شهر مارب، به دست ارتش یمن سقوط کرد و هم اکنون شهر مهم «مارب» نیز در آستانه سقوط قرار دارد.

ایران چگونه می تواند از شرایط موجود بهره برداری کند؟

یکم این که ایران باید تهدید به انتقام خود را علیه تجاوز اخیر رژیم تبهکار اسرائیل مبنی بر ترور یکی از شخصیتهای بزرگ ایران، همچون «شمشیر دموکلس» آماده نگه دارد و در موقعیت مناسب این ضربه را بر اسرائیل وارد کند، در گذشته اسرائیل تعداد زیادی از دانشمندان ایران را ترور کرده اما هیچ گونه عکس العمل جدی از طرف ایران مشاهده نشده است، این بی عملی ایران موجب دلسردی و احساس حقارت ملی را به بار آورده و مردم احساس خواری و ذلت می کنند، نشان دادن عکس العمل در برابر جنایات و تبهکاریهای مکرر اسرائیل، حتی از طرف مراکز حقوقی و بین المللی امری مشروع می باشد.

دوم. در مورد مذاکره با امریکا، نخست این را باید در نظر گرفت که این کشور اکنون در موقعیت وضعی قرار دارد، تجاوزات امریکا در عراق، سوریه، افغانستان و لبنان همه با شکست روبه رفته و نباید همچون برنامه برجام در گذشته با حقارت، به همه وعده و وعیدهای فریبکارانه اروپا و امریکا تن در داد. نتیجه سالها مذاکرات «دیپلماسی فریب» با امریکا و اروپا به جز فقر و نابسامانی در زندگی مردم نتایجی به دست نداد. (۱)

احزاب و شخصیتهای حزبی امریکائی با یک دیگر فرق زیادی ندارند و همه می کوشند منافع بزرگترین مراکز مالی و بانکی امریکا را تامین کرده و سیاستهای استعماری خود را در سراسر دنیا به ویژه خاور میانه و ایران اعمال کنند. لذا دولتمردان ایران نباید فریفته لیخندهای «ملیح و دیپلماتیک» آنها شده و منافع ملی را قربانی کنند.

۱ - فقر و فاقه به طور عمده در ایران نه در نتیجه این و یا آنگونه تحریم امریکا و اروپا بلکه به علت فساد، اختلاس و غارتگری بی حد و حساب مسؤولان کشوری است، به قول دکتر حسین راغفر تحریمها تنها سی درصد بر مردم فشار می آورد و هفتاد درصد بقیه در نتیجه فساد اقتصادی و اختلاسهای مسؤولان کشوری است.

۱۳۹۹/۹/۱۱